

## لهستانیهای مهاجر در ایران

۲۳-۱۳۲۰ ش

علیرضا کریمی

سید علی کریمی

جنگ جهانی دوم با حمله آلمان به لهستان آغاز شد و تا ۲۹ سپتامبر ۱۹۳۹ این کشور کاملاً به تصرف ارتشهای مهاجم آلمان و شوروی درآمد و عده زیادی از مردم لهستان به اردوگاههای کار در آلمان و شوروی فرستاده شدند. اما تحولات بعدی در جنگ موجب شد که توافق میان شوروی و آلمان از میان برود و متعاقب آن لهستانیهای رانده شده به شوروی به دلایل مختلف آزاد خود را به دست آورند. لذا پس از توافق استالین و دولت در تبعید لهستان مهاجرت نزدیک به صد و پانزده هزار نفر از طریق ایران به نقاطی چون فلسطین، آفریقای جنوبی، آفریقای شمالی و دیگر نقاط آغاز شد این افراد به وسیله کشتی از بندرپهلوی وارد ایران شدند. مقاله حاضر با تکیه بر اسناد سازمان اسناد ملی ایران و سایر منابع دیگر به بررسی چگونگی ورود، پیامدهای اقتصادی، بهداشتی - درمانی، اجتماعی، فرهنگی و نیز نحوه خروج این لهستانیها به ایران میان سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ می‌پردازد.

جنگ جهانی دوم با حمله آلمان به لهستان آغاز شد. دولت آلمان ابتدا در مورد اقلیتهای آلمانی منطقه دانتریک، که در عهدنامه ورسای به لهستان واگذار شده بود، به این کشور هشدار داد. اما حمله به لهستان بهانه مناسب‌تری می‌طلبید، بنابراین هیتلر در سپتامبر ۱۹۳۹ تراشیدن بهانه مناسب و لازم برای حمله به لهستان را به عهده شلنبرگ رئیس سازمان جاسوسی خود واگذاشت. شلنبرگ ابتدا با ایجاد یک مرکز کسب اطلاعات در یک کاباره توانست اطلاعات لازم برای شروع جنگ را به دست آورد. به این صورت که وی عده‌ای از زندانیان لهستانی را که در بازداشتگاههای آلمان به سر می‌بردند، ملبس به یونیفرم ارتش لهستان و مجهز به نوع سازمانی این کشور نمود.

آنگاه، با دادن قول آزادی به آنان، آنها را وادار کرد به ایستگاه رادیویی در «گلی و تیس» که متعلق به آلمان بود و در مرز این دو کشور قرار داشت حمله کنند. اما علی‌رغم قول آزادی، سربازان آلمان آنها را محاصره و قتل‌عام کردند.<sup>۱</sup> با توجه به اینکه هیتلر با استالین کمی پیشتر در ۲۳ اوت ۱۹۳۹ در مورد تقسیم لهستان به توافق رسیده بود، در اول سپتامبر ۸/۱۹۳۹ شهریور ۱۳۱۸ سپاهیان شوروی نیز از سمت شرق داخل خاک لهستان شدند. سرانجام دو سپاه روس و آلمان در منطقه «برست لیتوسک» به یکدیگر رسیدند. اکنون لهستان دو نیمه شده بود.

لهستان تا ۲۹ سپتامبر کاملاً به تصرف ارتشهای مهاجم در آمد و عده زیادی از مردم لهستان به اردوگاههای کار در آلمان و شوروی فرستاده شدند. سرنوشت اسرای لهستانی که در دست روسها گرفتار بودند دردناک بود چراکه عده زیادی از آنان به دست نیروهای سرخ به قتل رسیدند. گورهای دسته‌جمعی که پس از جنگ در جنگلهای سیاه غرب شوروی کشف شد حاکی از این قتل‌عامها بود. اما در اثر مخفی‌کاری کمونیستها این جنایات به آلمانیهای نازی نسبت داده شد تا اینکه پس از فروپاشی شوروی پرده از روی این حادثه برداشته شد. هفته‌نامه انگلیسی‌زبان آبزورر به نقل از یک رئیس پلیس اسبق شوروی برای اولین بار جزئیات کامل چگونگی اعدام هزاران سرباز و افسر لهستانی را در سال ۱۹۴۰ که به دستور استالین صورت گرفته بود، تشریح کرد. توکاریف رئیس پلیس سیاسی زمان استالین گفت تنها در آوریل ۱۹۴۰ تعداد ۶۲۹۵ نفر سرباز و افسر لهستانی در قرارگاه کل پلیس سیاسی استالین در ناحیه کامی‌نیس در نزدیکی مسکو قتل‌عام شدند و در مورد قتل‌عامهای دیگر می‌گوید که در کانین ۳۸۹۷ نفر و در خارکف ۴۴۰۳ نفر اعدام شدند.<sup>۲</sup> هیتلر پس از آنکه در نبرد با بریتانیا توفیقی به دست نیاورد تصمیم گرفت برای جلوگیری از خطر حمله شوروی به آلمان پیشدستی کند و به این کشور حمله نماید. بنابراین، سپاهیان آلمان به تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ حمله خود را به شوروی طی عملیاتی به نام بارباروسا انجام دادند. ارتش آلمان تا دهم ژوئیه خود را به ۲۰۰ مایلی مسکو رسانید. این ارتش در دوم اکتبر حتی خود را به سی مایلی مسکو رسانید.<sup>۳</sup> آلمانها با توجه به طرح روزنبرگ در صدد دسترسی به چاههای نفت قفقاز و خلیج فارس بودند.

استالین مجبور شد برای جلوگیری از پیشروی بیشتر آلمانها حتی دست به دامان

۱. فرانکو باندینی. جنگ دوم جهانی. ترجمه سعید کنعانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷.

۲. به نقل از روزنامه جهان اسلام، ۱۳۷۰/۷/۱۵.

۳. روبرت هوار. جنگ دوم جهانی. ترجمه هیئت تحریریه همگام. تهران، انتشارات همگام، ۱۳۶۲، ص ۲۳.

ژنرال ولادیسلاو آندرس<sup>۳</sup>، فرمانده آینده ارتش لهستان، شود.<sup>۴</sup> استالین پس از توافق با دولت در تبعید لهستان در ۳۰ ژوئیه ۱۹۴۱ ولادیسلاو آندرس را از زندان مسکو آزاد کرد و فرمانده ارتش در تبعید لهستان نمود تا بدین وسیله در مقابل هجوم آلمانها از چند صد هزار نیروی لهستانی بهره ببرد. آندرس چون دید امکان دارد آلمان نازی تمام خاک شوروی را به تصرف خود درآورد تصمیم گرفت ارتش تحت فرمان خود را از طریق ایران از شوروی خارج کند. این فکر مورد استقبال استالین قرار گرفت؛ چرا که می توانست از باقیمانده نیروهای طرد شده لهستانی یک نیروی نظامی کمونیستی وفادار سازمان دهد و همچنین از اقدامات خودسرانه برخی افسران لهستانی آسوده شود.<sup>۵</sup> طی مذاکرات، قرار شد این ارتش از طریق ایران به ارتش انگلیس در عراق بپیوندد و پس از اینکه توسط این ارتش در فلسطین تعلیمات نظامی لازم را دید به جبهه اروپا اعزام شود. عبور دادن افراد مزبور از ایران به سادگی ممکن نبود؛ چرا که ایران رسماً خود را بی طرف اعلام کرده بود و لذا یا ایران می بایستی داوطلبانه دست از بی طرفی خود برداشته چنین تسهیلاتی را برای متفقین فراهم آورد یا الزاماً ایران به اجبار تن به این موضعگیری دهد.

### موضع بی طرفی ایران در جنگ جهانی دوم

با آغاز جنگ جهانی دوم، به تاریخ اول سپتامبر ۸/۱۹۳۹ شهریور ۱۳۱۸ دولت ایران با مخابره تلگرافهایی به کلیه دولت‌های درگیر در جنگ رسماً خیر موضع بی طرف خود را ابلاغ نمود.<sup>۶</sup> در همان ماه نیز پاسخ کشورهای مزبور به دولت ایران می رسد که حاکی از رضایت دولت‌های درگیر از موضع ایران است.<sup>۷</sup>

### تصمیم متفقین برای اشغال نظامی ایران

تصرف ایران به دنبال یک سلسله محاسبات دقیق متفقین اتفاق افتاد. قلمرو ایران تنها و بهترین طریق ارتباطی نزدیک بین دو قطب متفق جدا از هم بود. رسیدن سپاهیان آلمان به نزدیکی مسکو و آغاز جنگها در منطقه‌ای در نزدیکی مرزهای ایران یعنی قفقازیه از عوامل مهم در محاسبات مزبور بود. استفاده از راه آهن سراسری ایران که از جنوب تا

۳. Wladyslaw Anders

۴. مان لنی برنر، *مشت آهنین*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۷، صص ۱۷۸-۱۸۲.

۵. *مشت آهنین*، همان، ص ۱۷۸.

۶. *ایران در جنگ جهانی بزرگ*، درباره سوم شهریور، تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی،

۲۵۳۶

۷. *ایران در اشغال متفقین*، به کوشش صفاءالدین تهرانیان، تهران، رسا، ۱۳۷۱، صص ۱۷-۱۳.

شمال ایران امتداد داشت برای حمل و نقل نظامیان و کمکهای نظامی و سایر ارتباطات از عوامل دیگر اشغال ایران بود. استفاده از امکانات غذایی، نظامی و ارتباطی ایران از عوامل مؤثر دیگر در اتخاذ این تصمیم بود. اما اشغال ایران با توجه به اینکه ایران رسماً خود را در این منازعات بی طرف اعلام داشته بود و حتی خود متفقین ابتدا این بی طرفی را تأیید کرده بودند بدون طرح هیچ بهانه‌ای مقدور نبود. متفقین خیلی زود بهانه‌ای برای این منظور پیدا کردند. این بهانه، وجود عده‌ای از اتباع آلمان در خاک ایران بود، که البته در صورت مقایسه عده کل اتباع متفقین و متحدین در ایران، به سهولت تفوق تعداد اتباع متفقین در ایران آشکار می‌شده است.<sup>۸</sup> شوروی و انگلستان متفقاً از ایران خواستند که کلیه اتباع متحدین را از کشور اخراج کند. اما چون این خواسته با اعلام بی طرفی ایران منافات داشت ابتدا از پذیرش آن خودداری کرد.

شوروی نیز بهانه دیگری برای حمله ایران پیدا کرد و آن ماده ششم قرارداد مودت ۱۹۲۱ ایران و شوروی بود. این ماده که برای جلوگیری از تجاوز قشون انگلیسی به ایران بود توسط شوروی به طور یکجانبه به دولت آلمان نیز تعمیم داده شد.

سرانجام ارتشهای شوروی و انگلیس در تاریخ ۳ شهریور ۱۳۲۰ بدون اعلام جنگ از شمال و جنوب به ایران حمله کردند. با پیشروی سریع آنها در خاک ایران دولت وادار شد در ششم شهریور دستور ترک محاصره به نظامیان خود بدهد.<sup>۹</sup>

### ورود لهستانیها به ایران

لهستانیها پس از اینکه مدتهای مدید در اردوگاههای کار استالین گرفتار سخت‌ترین نوع زندگی بودند، با حمله آلمان به روسیه به علل گوناگون آزادی خود را به دست آوردند چرا که با حمله آلمان به روسیه توافقیهای پیشین صلح آلمان و شوروی لغو شد و لهستانیها که تا این زمان دشمن هر دو طرف محسوب می‌شدند به دوستان شوروی تبدیل گشتند. بنابراین، تحولات جدید مذکور اسارت لهستانیها را در کشور شوروی دیگر توجیه نمی‌کرد افزون بر این آنکه این اسرا که اکنون به دوستان شوروی بدل شده بودند می‌توانستند ضمن اینکه وظیفه سنگین تهیه مایحتاج برای لهستانیها را از روی دوش روسها برمی‌داشتند، در کنار آنها و سایر متفقین با آلمانها که اشغالگران کشورشان بودند بجنگند. لذا پس از توافق استالین و دولت در تبعید لهستان مهاجرت نزدیک به صد

۸. ایران در اشغال متفقین، همان صص ۱۷-۱۳.

۹. همایون الهی، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم ۱۳۶۹ صص ۱۲۶.



نخستین گروه از مهاجرین لهستانی

و پانزده هزار نفر از طریق ایران به نقاطی چون فلسطین، آفریقای جنوبی، آفریقای شمالی و دیگر نقاط آغاز شد.<sup>۱۰</sup> این افراد را ابتدا در بندر کراسنوتسک گرد آوردند. آنگاه به وسیله کشتی به بندر پهلوی انتقال دادند.

موضوع اولین سندی که درباره لهستانیها در تاریخ ۱۳۲۰/۱۱/۱۴ توسط فرمانداری رشت به وزارت کشور فرستاده شد عبور ارتش لهستانیها از خاک ایران بود.<sup>۱۱</sup> البته قبل از این تاریخ نیز اسنادی در ارتباط با لهستانیها در دست است که فقط مربوط به کمک‌رسانی به این افراد است و هنوز حرفی در مورد انتقال لهستانیها از ایران زده نمی‌شود. در یکی از این اسناد آمده است «هیئت وزیران به پیشنهاد وزارت امور خارجه و موافقت وزارت دارایی در تعقیب تصویبنامه ش ۱۲۲۴۲ مورخ ۱۳۲۰/۹/۲۵ و شماره ۱۳۹۸۲ مورخ ۱۳۲۰/۱۰/۴ تصویب نمودند نسبت به یک اتومبیل سواری و بیست‌وشش کامیون حاوی البسه، کفش و دواجات و آذوقه که از طرف صلیب سرخ لهستان برای مجروحین لهستانی در کشور شوروی از مسیر جاوه - مشهد - باجگیران فرستاده شود، اجازه ترانزیت صادر و عوارضی ترانزیتی آن تعیین و از محل اعتبار دولت پرداخت شود».<sup>۱۲</sup>

سرانجام متفقین با مقامات ایرانی وارد مذاکره شدند و قرار شد که آنها را از طریق ایران عبور داده و در طی مهاجرت آنها متفقین، خود از آنها پذیرایی نمایند و مایحتاج

۱۰. مشت‌آهنبین، پیشین، ص ۱۸۱، ۱۱. سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۲۵۵، ۳۷.

۱۲. سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۲۵۵، ۳۷.



امور لهستانیها درباره وضع این افراد چنین آمده:

۱. حدود دوهزار نفر از زن و بچه به سنین مختلف از بچه شیرخوار تا پیرمرد کهنسال در قسمتهای مختلف و خوابگاهها، نهارخوریهای دانشکده نیروی هوایی ... و قریب دوهزار تن دیگر نیز در محوطه بنای دانشکده ... مسکن کرده‌اند.
۲. در قسمت تحتانی نهارخوری دانشکده عده‌ای از مریضان مبتلا به امراض مسری و غیرمسری خوابانیده بودند.
۳. قریب یک هزار نفر از اطفال ذکور در سنین مختلف در آشیانه‌های هواپیما نگهداری می‌شدند.

۴. تعدادی زن و مرد نیز در حدود چهارصدتن در قسمتی از ابنیه هنگ ۲ بمباران منزل کرده‌اند و قریب هزار تن قرار بود که امروز وارد شوند... و گفته می‌شد که در همان ابنیه هنگ ۲ بمباران مسکن داده می‌شوند.<sup>۱۸</sup>

جریان ورود لهستانیها به ایران همچنان ادامه داشت. با ورود یک کشتی روسی به تاریخ ۱۳۲۱/۱/۱۹ که حامل تقریباً هشتصد نفر سرباز مهاجر لهستانی از روسیه به ایران بود عده مهاجران لهستانی به بیش از ۱۷۵۰۰ نفر رسید.<sup>۱۹</sup> حال آنکه آندرس، فرمانده نیروهای لهستانی، پیشتر قول داده بود به منظور جلوگیری از ازدحام در بندر کراسنوتسک در خاک شوروی از حرکت بقیه لهستانیها موقتاً جلوگیری خواهد شد.<sup>۲۰</sup> گذشته از دسته‌های مهاجر لهستانی که مرکب بودند از زن و مرد در سنین مختلف، در برخی منابع به مطالبی درباره اعزام دسته‌های صرفاً کودک و نوجوان به ایران برمی‌خوریم.

چنانکه در یکی از منابع آمده است: «عده‌ای از کودکان لهستانی که در شوروی اقامت داشتند و قرار بود از راه ایران به هندوستان اعزام گردند و در آنجا تا پایان جنگ نگهداری شوند، اکنون به قرار اطلاعی که به دست آمد عده‌ای از کودکان در این چند روزه به تهران و عده‌ای به مشهد وارد شده‌اند که بعد به هندوستان اعزام شوند.»<sup>۲۱</sup>

جراید که در این دوره تحت سانسور شدید متفقین قرار داشتند از درج هرگونه خبری که منافات با خواسته‌های متفقین داشته باشد منع شده بودند. با مطالعه بیشتر جراید این عصر به اطلاعات کمتری در مورد مهاجران لهستانی دست می‌یابیم. چرا که درج این گونه اطلاعات ممکن بود تأثیرات روانی علیه متفقین ایجاد کند. لذا اگر هم خبری چون خبر مذکور را در جریده‌ای می‌بینیم با کمی ملاحظه و دقت به شکل تحریف

۱۸. همان شماره تنظیم و پاکت. ۱۹. سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۲۱۳/۱۷/۱۱.

۲۰. سازمان اسناد ملی ایران، همان شماره پاکت، وزارت جنگ ۲۱/۱/۶.

۲۱. روزنامه اطلاعات: ۱۳۲۱/۱/۱۹.

شده خبر بی می بریم. اولاً تعداد این افراد (کودکان) را کم وانمود می‌کنند. ثانیاً عواطف مردم را نسبت به کودک و خردسال بودن پناهندگان مزبور و برای کمک به آنها برمی‌انگیزند. لذا مردم در طول مسیر از این افراد با آذوقه (که خود نیز به اندازه کافی نداشتند) استقبال می‌کنند. برای مثال عده‌ای از کودکان که از شهر قم عبور داده می‌شدند با استقبال اهالی که شیرینی، آجیل، نان روغنی آورده بودند مواجه می‌شوند.<sup>۲۲</sup>

میانگین ماهانه تعداد افراد لهستانی وارد شده به ایران از میزان خروج آنها از ایران، بسیار بیشتر بود. بدیهی است این امر تأثیر بسیار بدی بر وضعیت اقتصادی و بهداشتی ایران به جای گذاشت. با وجود آنکه لهستانیهای مهاجر نیز همچون ایرانیان تا اندازه‌ای در مضیقه معاش و مایحتاج ضروری قرار داشتند و مشکل مسکن نیز دست کمی از آن نداشت، متفقین در خارج کردن آنها از ایران عجله‌ای نشان نمی‌دادند بلکه برعکس، به تدریج تعداد خارج شوندگان آنها از ایران کاهش یافت. به تصریح یک سند «خروج آنان از خرداد ۱۳۲۱ کندتر گردید».<sup>۲۳</sup>

طبق سندی تعداد لهستانیهای مقیم در اردوگاهها به تاریخ ۱۳۲۱/۳/۱۹ نه‌هزار نفر و تعدادی که در تهران آزاد بودند پانصد نفر، عده‌ای که به اصفهان اعزام شده بودند ۴۶ نفر، و عده‌ای که به فلسطین فرستاده شدند ۱۷۰۰ نفر بودند.<sup>۲۴</sup>

ورود مهاجران جدید لهستانی با مخالفت اعضای ایرانی کمیسیون مهاجران لهستانی مواجه گردید. در ۱۳۲۱/۴/۲۰ واسینسکی نماینده لهستانیها، حرکت لهستانیهای جدید را از کراسنوتسک و بادکوبه به بندر پهلوی مطرح می‌نماید که با مخالفت اسفندیاری رئیس ایرانی کمیسیون مذکور روبه‌رو می‌شود.<sup>۲۵</sup> در تهران وقتی به نماینده والینسکی پیشنهاد شد که قبل از ورود افراد جدید، مهاجران قبلی را به اراک انتقال دهند این پیشنهاد با مخالفت وی مواجه شد.<sup>۲۶</sup> با این حال، خاکسار نماینده وزارت خارجه به نماینده ایران در مسکو دستور داد که با مقامات شوروی مذاکره نمایند تا از ورود مهاجران غیرنظامی لهستانی به ایران جلوگیری شود.<sup>۲۷</sup> همچنین، وزیر مختار لهستان به وزارت خارجه دعوت شد تا به وی تذکر داده شود در صورت انتقال مهاجران جدید به تهران دچار کمبود آذوقه خواهند شد.<sup>۲۸</sup> رئیس اداره کل شهربانی (سریاس رادسر) نیز

۲۲. روزنامه اطلاعات؛ ۱۳۲۱/۱/۲۳.

۲۳. سازمان اسناد ملی ایران، همان شماره پاکت، وزارت کشور ۲۱/۴/۱۳.

۲۴. سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم، ش ۲۱۳/۱۷/۱۱.

۲۵. همان شماره پاکت؛ وزارت جنگ ۲۱/۴/۲۰.

۲۷. همان شماره پاکت، وزارت کشور ۲۱/۴/۲۵.

۲۸. همان شماره پاکت، وزارت کشور ۲۱/۴/۲۵.

۲۶. همان؛ وزارت جنگ ۲۱/۴/۲۴.





تقاضا کرد به علت بیماریهای واگیردار و مشکلات مربوط به تهیه خوار و بار، از ورود لهستانیهای جدید جلوگیری شود.<sup>۲۹</sup> با وجود تمام این مخالفتها و حتی مخالفت بالاترین مقام سیاسی ایران یعنی نخست وزیر وقت با ورود بیشتر لهستانیها به کشور<sup>۳۰</sup>، استیپورسکی نماینده سفارت لهستان، در ۱۳۲۱/۵/۱۵ اعلام می کند که اولین دسته بیست نفری از مهاجران لهستانی از کراسنوتسک به بندر پهلوی وارد شده است و پس از دو هفته روزی حداقل هزار نفر به تهران اعزام می شوند.<sup>۳۱</sup> در این هنگام حتی شایع می شود که تعداد این افراد را تا هشتاد هزار نفر بالا خواهند برد.<sup>۳۲</sup>

در ۸ مرداد ۱۳۲۱ فرمانداری قزوین بر طبق خواسته سفارت لهستان اطلاع داد که از دهم مرداد عده زیادی از نظامیان و غیرنظامیان روزی در حدود سه هزار نفر وارد ایران می گردند.<sup>۳۳</sup> طی تلگرافی که از سرتیپ ساندرس، فرمانده لهستانیها در روسیه، در تاریخ ۱۳۲۱/۵/۷ به وزارت جنگ رسید حرکت لهستانیها به طور گسترده از دهم مرداد شروع می شد: «به تدریج پنجاه نفر نظامی لهستانی از کراسناتسک به ایران عزیمت نموده و نظامیان از طریق بندر پهلوی، همدان و کرمانشاه خارج گردیده و حدود بیست هزار نفر غیرنظامی به تدریج به تهران اعزام شده تا افرادی که قبلاً اسکان داده شده بودند از راه اهواز و بندر شاهپور به کراچی و از آنجا به بندر بوبیاس به طرف جنوب شرقی آفریقا به

۲۹. همان شماره پاکت، وزارت کشور ۲۱/۵/۸.

۳۰. همان شماره پاکت، نخست وزیری ۲۱/۵/۷.

۳۱. همان شماره پاکت، وزارت جنگ ۲۱/۵/۱۵.

۳۲. همان شماره پاکت، وزارت کشور (امینه کل کشور) ۲۱۵۰۲۱.

۳۳. همان شماره پاکت، وزارت کشور ۲۱۵۰۸.

تانگانیکا برده شوند».<sup>۳۴</sup>

در طی روزهای ۲۱ و ۲۷ مرداد ۱۳۲۱ نزدیک به بیست و یک هزاروپانصد نفر توسط پنج کشتی در بندر پهلوی پیاده شدند.<sup>۳۵</sup> از این افراد عده‌ای به تدریج وارد تهران شدند. فقط در روز ۱۳۲۱/۵/۲۴ تعداد ۳۲۰ نفر به تهران وارد شدند که وضع مزاجی خوبی نداشتند به طوری که برخی اطفال به بیماری اسهال مبتلا بودند و بقیه به طور کلی دچار ضعف عمومی بودند که برخی حتی نمی‌توانستند غذا بخورند.<sup>۳۶</sup> اعزام مهاجران به ایران در ماههای بعد هم همچنان ادامه داشت. در روزهای چهارم تا دهم شهریور ۱۳۲۱ چهارده هزار و سیصد نفر با کشتی وارد ایران شدند.<sup>۳۷</sup> در ۱۳۲۱/۶/۱۸ سرتیپ اسفندیاری در مورد مرحله دوم ورود مهاجران لهستانی در جلسه امور لهستانیها، عده این افراد را که به تهران وارد شدند ۲۶۲۰۰ نفر ذکر کرد. وی همچنین گفت که هزار نفر از آنها از ایران به آفریقا برده شدند و نزدیک به ۷۲۰۰ نفر در اردوگاه اهواز و در اردوگاه بندرپهلوی نیز ۱۳۰۰ نفر به سر می‌بردند.<sup>۳۸</sup> از این عده نزدیک به دوهزار نفر بیمار بودند که در بیمارستان پانصد تختخوابی و پرورشگاه ایتم بستری شدند.<sup>۳۹</sup> روند ورود مهاجران از مهرماه ۱۳۲۱ کند گردید ولی همچنان به طور آرام و تدریجی ادامه یافت به طوری که، در سندی به تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۲۲، از اعزام پنجاه زن و بچه لهستانی از پاسگاه خراسان به تهران و دویست نفر لهستانی دیگر از طریق راه آهن به اهواز گزارش می‌شود.<sup>۴۰</sup> که نشان‌دهنده تداوم مهاجرت لهستانیها حداقل تا این سال می‌باشد.

### پیامدهای اقتصادی ورود لهستانیها به ایران

پیش از آنکه به پیامدهای اقتصادی ورود لهستانیها در ایران بپردازیم لازم است مختصراً به وضع اقتصاد ایران در آن زمان و تأثیرات منفی عملکرد متفقین بر آن اشاره نماییم. در دوره پادشاهی رضاشاه به علل متعدد وضع اقتصادی ایران نسبتاً بهبود پیدا کرده بود و ایران با چهره نوین خود با گذشته‌اش تفاوت محسوس یافته بود. امکانات جدید تمدنی نظیر راههای آسفالته، خط آهن، کارخانجات جدید، اتومبیلها، کشتیها و...

۳۴. سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۲۱۳/۱۷/۳۳.

۳۵. سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۲۱۳/۱۷/۱۵. همان. ۳۶.

۳۷. سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۲۱۳/۱۷/۱۱.

۳۸. سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۲۱۳/۱۷/۱۰.

۳۹. همان، شماره پاکت؛ وزارت جنگ ۱۳۲۱/۷/۲۹.

۴۰. سازمان اسناد ملی ایران، شماره آلبوم ۲۱۲، شماره تنظیم ۱-۲۱۰۲۹، ش پاکت ۳۹۸۲، وزارت کشور ۱۳۲۱/۱/۲۰.



لهستانیهای مهاجر در اصفهان ۱۳۲۲ش

در ایران پدیدار شده و به تولید بهتر و بیشتر و حمل و نقل سریع‌تر در سراسر کشور مدد رسانیده بود.

متفقین به محض اشغال نظامی ایران تمام این امکانات را در اختیار و خدمت خود گرفتند. راه‌آهن سراسری ایران کاملاً در اختیار متفقین و در خدمت حمل کالاهای و سربازان آنها قرار گرفت، حال آنکه ایرانیها در مورد خط‌آهن مزبور بدون اجازه متفقین هیچ قانونی را وضع یا اجرا نمی‌کردند. متفقین توانستند در فاصله شهریور ۱۳۲۰ تا مهر ۱۳۲۴ به وسیله راه‌آهن ایران بیش از هشت میلیون تن کالا به شوروی انتقال دهند.<sup>۴۱</sup> علاوه بر راه‌آهن سایر وسایل حمل و نقل خصوصی و دولتی نظیر کامیون و اتوبوس نیز در اختیار متفقین قرار گرفت. نزدیک به سه هزار کامیون غیرنظامی (بدون احتساب

۴۱. ایران در جنگ جهانی بزرگ، ص ۱۷۴.

کامیونهای نظامی به سرقت رفته توسط متفقین) در خدمت کمک‌رسانی متفقین به شوروی قرار گرفته بودند.<sup>۴۲</sup> همچنین کشتیهای نظامی و غیرنظامی ایران نیز به تصرف متفقین درآمده بود.<sup>۴۳</sup>

متفقین همچنین سیاست پولی ظالمانه‌ای را به ایران تحمیل کردند. آنها نرخ رسمی لیره را از ۶۸ ریال به ۱۴۰ ریال افزایش دادند و از طرف دیگر به علت نیاز ریالی، دست به انتشار اسکناس بدون پشتوانه در ایران زدند به طوری که فقط در طول یک سال (شهریور ۱۳۲۰ - آبان ۱۳۲۱) میزان اسکناس کشور از ۲۰۰ میلیون به ۳۵۰ میلیون رسید.<sup>۴۴</sup> در سپتامبر ۱۳۱۸/۱۹۳۹ مجموع پول در گردش ایران عبارت بود از ۱/۱۰۰ میلیون ریال با پشتوانه‌ای معادل ۲۸٪ طلا و ۳۳٪ نقره، در حالی که در آوریل ۱۹۴۲ / فروردین ۱۳۲۱ یعنی هشت ماه پس از اشغال ایران توسط متفقین، این رقم به ۲/۲۰۰ میلیون با پشتوانه ۳٪ طلا و ۴٪ نقره رسید که مبین سقوط فاحش ارزش ریال است.<sup>۴۵</sup> این اقدامات موجب گرانی طاقت‌فرسا برای مردم ایران و کسر بودجه سنگین برای دولت ایران گردید.

متفقین کارخانه‌های موجود در ایران را به خدمت خود درآوردند. کالاهای تولیدی آنها را می‌گرفتند و به سربازان خود می‌دادند. این عملکرد آنها نه تنها باعث شده بود که کلیه ارزاق عمومی جیره‌بندی و کوپنی شود بلکه حتی اجناس لازم در قبال کوپنهای توزیع شده نیز در جامعه موجود نبود. قیمتها چندین برابر شده بود. برای مثال قیمت پارچه ۱۲ برابر افزایش یافته بود.<sup>۴۶</sup>

کمبود آذوقه در تهران و سایر شهرهای ایران به شدت مشهود بود. نانوائیها آرد در اختیار نداشتند که نان مورد نیاز مردم ساکن شهرها را آماده نمایند. تلاش جدی برخی از دولتمردان مسئول ایرانی نیز نمی‌توانست این معضلات را به طور جدی حل نماید. لذا این وضع در کلیه شهرهای ایران تداوم داشت. قابل پیش‌بینی است در چنین شرایطی که امکانات بهداشت-درمانی، آذوقه و سایر اجناس ضروری مورد نیاز مردم نایاب و یا بسیار کمیاب بود، ورود بیش از صد و پنجاه هزار لهستانی گرسنه و مریض چه تأثیری بر اوضاع بد کشور می‌توانست داشته باشد.

وقتی در ۱۶ فروردین ۱۳۲۱ اولین دسته لهستانیها وارد ایران گردیدند سرتیپ ژرف

۴۳. ایران در اشغال متفقین، ص ۱۱۴.

۴۲. اهمیت استراتژیکی ایران، صص ۱۸۳-۱۸۲.

۴۴. اهمیت استراتژیکی ایران، ص ۱۲۶.

۴۵. ایران در جنگ جهانی بزرگ، ص ۷۳.

۴۶. ایران در جنگ جهانی دوم، ص ۲۵۲.

رایوس فرمانده لهستانی در ایران اظهار داشت که دولتهای انگلیس و آمریکا قول دادند، که خواروبار و پوشاک آنان را تأمین کنند.<sup>۴۷</sup> حتی بعدها در دستگاههای تبلیغاتی خود اعلام کردند که این میهمانان ناخوانده که در کمال استیصال وارد کشور ایران شده‌اند هشتصد تن گندم به ملت ایران پیشکش کرده‌اند!<sup>۴۸</sup> اما با نگاهی به اسناد و مدارک دیگر واقعیت به گونه‌ای دیگر برایمان مکشوف می‌شود.

لهستانیها با ورودشان به ایران از آنجایی که آذوقه‌ای به همراه نیاورده بودند و نیز متفقین در این زمینه کمک چندانی نمی‌توانستند به آنها بکنند لذا ناگزیر می‌بایستی آذوقه ضروری خود را از محل تأمین نمایند. تأمین کردن آذوقه آن هم برای تعداد زیادی پناهنده در آن نواحی که خود دچار کمبود آذوقه بود نتایج بدی می‌توانست در پی داشته باشد. اولین تأثیر آنها افزایش قیمتها بود. افزایش قیمتها از یک طرف ناشی از ناآشنایی آنها با ضوابط و قیمتها در ایران و مراجعات پراکنده نمایندگان آنها برای خرید به فروشندگان و نیز (به اعتبار متفقین) داشتن توانایی بالای خرید آنها بود، و از طرف دیگر ناشی از نیاز گسترده آنها به آذوقه و محدودیت میزان آذوقه موجود در بازارهای آن موقع ایران بود. در مورد نخست، سندی با مضمون ذیل در دست است «نمایندگان لهستانیها در تهران خواروبار و مایحتاج آنان [را] از بازار آزاد تهیه می‌کنند که موجب افزایش روز افزون قیمتهای اجناس می‌گردد... شهرداری تهران (برای جلوگیری از افزایش قیمتها که از این عمل لهستانیها ناشی می‌شد از آنها) تقاضا می‌کند که آنان صورت احتیاجات خود را در اختیار نماینده شهرداری گذارده تا این مهم (به توسط خود شهرداری) انجام شود.<sup>۴۹</sup> [تا از ترقی بی‌جهت قیمت اجناس ممانعت شود].»

تلاش شهرداری در جهت تأمین مایحتاج لهستانیها و جلوگیری از افزایش قیمتها به نتیجه چندانی منجر نمی‌شود. چرا که در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۲۱ لهستانیها به وسیله کامیونهای نظامی به خرید مستقیم احتیاجات خود از فروشندگان ادامه می‌دهند.

برای اینکه به علل ثانوی مذکور در افزایش قیمتها بهتر واقف شویم مضامین بعضی اسناد را در مورد جزئیات و محدوده نیازهای لهستانیها در مورد آذوقه، بررسی می‌کنیم: سردار آویک هندی در تاریخ ۱۳۲۱/۱/۳۰، ۷۰۱۲ کیلو گوشت گوسفند و گاو و همچنین مقداری سبزیجات، پیاز و سیب‌زمینی و مقداری میوه برای نظامیان لهستانی و هندیهای مقیم قزوین درخواست کرد.<sup>۵۰</sup> با توجه به اینکه گوشت و خواروبار در طی اواخر ۱۳۲۰ و اوایل ۱۳۲۱ تا حد زیادی در کشور کمیاب گردیده بود گردآوری این

۴۷. سازمان اسناد ملی ایران، شماره پاکت ۳۹۸۳، وزارت کشور، بدون تاریخ.

۴۸. روزنامه توبهار، ۲۱/۱۲/۱۴. همان؛ شماره پاکت وزارت کشور ۲۱/۲/۶ و وزارت کشور ۲۱/۲/۲۳.

۵۰. همان شماره پاکت، وزارت کشور ۲۱/۵/۲۱.

مقدار آذوقه برای یک عده قابل توجه از پناهندگان البته دشوار بود. در دو مورد تقاضای لهستانیها در مورد آذوقه برای ۴۲۰۰ نفر آن هم تنها برای دو روز به قرار ذیل است:<sup>۵۱</sup>

اسامی اجناس	۱۳۲۱/۲/۱۲ (برای ۲۰۰ نفر)	۱۳۲۱/۳/۱۶ (برای ۳۰۰۰ نفر)
۱. گوشت گاو	۲۵۰۰ کیلو	۲۴۰۰ کیلو
۲. خرما	۱۵۰۰	۱۵۰۰
۳. سبزی تازه	۸۱۰	۸۰۰
۴. تخم مرغ	۸۰۰۰	۱۰,۰۰۰
۵. سیب زمینی	—	۲۵۰
۶. کره	۲۰۰-۱۵۰	۲۰۰
۷. مربا	—	۲۰۰
۸. شیر یا ماست	۱۵۰۰ لیتر	۳۵۰۰ لیتر
۹. برنج	۱۰۰۰ کیلو	۸۰۰ کیلو
۱۰. پنیر	۴۵۰	۴۵۰
۱۱. حبوبات	۱۲۰۰	نخود و لوبیا ۷۰۰ کیلو
۱۲. کاکائو	—	۲۵ کیلو
۱۳. هیزم	—	۵۰۰۰
۱۴. روغن نباتی	۱۶۰ کیلو	۱۶۰
۱۵. لیموترش	—	۱۰۰

گفتنی است که این مقدار فقط خرید دو روز نمایندگان شهرداری برای لهستانیها بود و البته این جدای از خرید مستقیم لهستانیهاست. بنابراین، آمار و ارقام مذکور تنها نشان دهنده گوشه‌ای از تحمیلات و اجحافات لهستانیها و متفقین بر ملت ایران است. در حالی که ملت ایران نان خود را به سختی به دست می‌آوردند ناگزیر بودند حتی کالاهای کمتر ضروری مثل کاکائو، مربا، کره و ... را برای لهستانیها فراهم نمایند. جراید به تصدیق مستشار آمریکایی، دکتر میلسپو، نوشتند: «نان خالص، شیر، تخم مرغ، کره مربا گوشت به وفور در اختیار لهستانیها قرار گرفت.»<sup>۵۲</sup>

۵۱. سازمان اسناد ملی ایران، همان شماره پاکت، سند وزارت کشور ۱۳۲۱/۳/۱۷.

۵۲. ایران در جنگ جهانی دوم، ص ۲۶۲.



کودکان لهستانی در اصفهان ۱۳۲۲ش

البته دولتمردان ایران در مقابل خواسته‌های متفقین نمی‌توانستند چندان مقاومتی کنند. با وجود این، در تیر ۱۳۲۱ به متفقین اعلام کردند که با ورود لهستانیهای جدید، کشور بیشتر دچار کمبود مواد غذایی خواهد شد. اما وزیرمختار انگلیس پاسخ داد که خواروبار سربازان و مهاجران لهستانی کاملاً تأمین می‌گردد و آنان سربار دولت و ادارات دولتی ایران نخواهند بود!<sup>۵۳</sup>

حال آنکه سندی به همان تاریخ (۱۳۲۱/۵/۸) موجود است که اداره امنیه ناگزیر به تعدادی از پاسگاههای خود که مأموریت محافظت اردوگاههای لهستانی را برعهده داشتند مأموریتی دیگر می‌دهد تا به کمک مأموران وزارت دارایی و اقتصاد به جمع‌آوری خواربار برای لهستانیها بپردازد. تا تاریخ ۱۳۲۱/۷/۲۹ جمعیت لهستانیهای

۵۳ همان شماره پاکت، وزارت کشور ۱۳۲۱/۵/۸.

غیرنظامی فقط در اردوگاههای تهران به ۲۶ هزار نفر می‌رسید<sup>۵۴</sup> (البته این به غیر از افرادی است که در این تاریخ از مرزهای ایران خارج شده بودند). ورود و خروج تعداد زیادی مهاجر لهستانی فشارهای معیشتی زیادی بر ملت ایران وارد آورد به طوری که در آذر ماه ۱۳۲۱ تظاهراتی از طرف مردم تهران برپا شد که البته متفقین آنها را سرکوب کردند.

### وضع بهداشت ایران در آستانه ورود لهستانیها به این کشور

ایران در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم به لحاظ بهداشت و درمان وضع چندان مطلوبی نداشت. هرچند این وضعیت از اواسط قاجاریه به واسطه برخی تماسها با اروپاییان اندکی بهبود یافت اما این بهبود اوضاع چندان مشهود نبود. در زمان رضاشاه، به عللی روشن، رویکردهایی به بسیاری از زمینه‌های تمدنی جدید به عمل آمد. از جمله این رویکردها توجه به مسائل نوین بهداشت و درمان بود که این فرایند تا اواخر حیات رضاشاه با فراز و نشیبی ادامه پیدا کرد. با ورود متفقین به ایران ماحصل این رویکردها، همچون دیگر دستاوردهای تمدنی جدید، به خدمت متفقین درآمد. از یک طرف قحطی و گرسنگی ناشی از غارت مایحتاج ملت ایران به دست متفقین منجر به ضعف ساختار حیاتی جامعه و به تبع آن شیوع بیماریهای گوناگون شد. از طرف دیگر بهداشت و افزایش قیمت داروهای سنتی و صنعتی که حتی طبقات مرفه جامعه هم قادر به خریدن آن نبودند به پیدایش و افزایش بیماریها و بالاخره تلفات روزافزون انجامید.

وندل ویلکی، نویسنده آمریکایی کتاب یک جهان که حدود سالهای ۲۲-۱۳۲۱ از ایران دیدن نمود، در مورد بهداشت شهر تهران که نسبت به سایر شهرها وضعیت مطلوب تری داشت می‌نویسد:

در تهران آب مصرفی مردم در مجاری روباز، در طرف معابر، جاری است. در همین جویها مردم هم بدن خود را می‌شویند و هم لباسهایشان را، آنگاه آب را به منازل می‌برند آن را می‌آشامند و با آن غذا می‌پزند... [در نتیجه] از هر پنج نوزادی که در تهران دیده به جهان می‌گشاید فقط یک تن به شش سالگی می‌رسد.<sup>۵۵</sup>

با اشغال ایران و خروج اجباری مایحتاج ضروری مردم ایران نظیر مواد سوختی،

۵۴. سازمان اسناد ملی ایران، همان شماره پانک

۵۵. راز پانلگی؛ دفتر یکم: ایران در دهه بیستم، مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی. بی‌تا.



سطح بهداشت به نحو فوق‌العاده‌ای کاهش یافت چرا که از ۲۸۵ گرمابه تهران تعطیل شد ۱۲۴ دستگاه آن که نفت‌سوز بود دچار کمبود سوخت و سرانجام تعطیل شد و نزدیک به سه هزار کارگر آنها نیز بیکار شدند.<sup>۵۶</sup>

همچنین مردم ایران شدیداً با کمبود مواد شوینده نظیر صابون مواجه شدند چرا که این کالا نیز همچون دیگر مایحتاج مردم به مصرف متفقین می‌رسید. گلیسرین تولید شده در ایران را که شدیداً مورد نیاز تنها کارخانه صابون‌سازی تهران بود. روسها به روسیه بردند. بنابراین تولید صابون در ایران کاهش یافت و لذا قیمت آن نیز افزایش یافت به طوری که قیمت هر قالب صابون از شش پنس ( $\frac{1}{13}$  شیلینگ) به پنج شیلینگ افزایش یافت.<sup>۵۷</sup> بنابراین سطح بهداشت مردم هرچه بیشتر کاهش یافت به تبع آن، بیماریهای گوناگون نیز بیشتر شایع شد.

بدیهی است کاهش سطح عمومی بهداشت، افزایش بیماریهای واگیردار گوناگون و در نتیجه افزایش نیاز به دارو و درمان را در پی داشت. اما مردم ایران که پیوسته تا اندازه‌ای از نداشتن درمان به شیوه علمی جدید رنجور بودند و با حمله متفقین معضل آنها مضاعف شده بود، بیش از پیش امید خود به زندگی را از دست می‌دادند. دولت ایران برای اینکه احتیاجات دارویی خود در دوران اشغال را برطرف نماید با «کمیته تدارکات» که یک سازمان وابسته به متفقین بود، مذاکره کرد. اما نتیجه این مذاکره چیزی جز وعده و وعید صرف نبود. از این رو قیمت دارو به حدی افزایش یافت که حتی ثروتمندان جامعه نمی‌توانستند آن را خریداری کنند. به طور مثال قیمت یک آمپول که قبل از اشغال به پول انگلیس یک شیلینگ بود به یک لیره و پنج شیلینگ بالغ شد، یک جعبه قرص که سه شیلینگ بود به یک و نیم لیره رسید. حتی داروهای سنتی نیز قیمت‌های سرسام‌آور یافت.<sup>۵۸</sup>

### لهستانیهای مهاجر و تأثیرات منفی بهداشتی - درمانی آنها بر مردم ایران

در این اوضاع بسیار بد بهداشتی که ناشی از حمله متفقین بود مصیبتی دیگر چهره نمود و آن ورود سیل آسای مهاجران لهستانی به ایران بود. آنها که تعدادشان مجموعاً بیش از صد و پنجاه هزار نفر بود می‌بایستی تقریباً بیش از یک سال در ایران اقامت‌گزینند. عده زیادی از آنها مبتلا به بیماریهای بسیار خطرناک، نظیر تیفوس و تیفونید بودند که در ایران سابقه نداشت. آنها به عنوان اسیران لهستانی در طی اقامت خود در

۵۶ همان، ص ۱۲۰. ۵۷ همان، ص ۲۰۰.

۵۸ ایران در جنگ جهانی دوم، ص ۲۵۹.

اردوگاههای کار سبیری به واسطه ضعف جسمی مفرط به بیماریهای مذکور مبتلا شده بودند. بنابراین پس از اعزام اولین گروه لهستانیها در اوایل ۱۳۲۱ به داخل ایران، به علت وجود عده زیادی افراد بیمار در میان آنها که بیش از دویست و پنجاه نفر تخمین زده می شدند، نماینده لهستانیها سرتیپ «ژوزف زلبوس» در تاریخ ۲۱/۱/۶ از دولت ایران تقاضای مکان و بیمارستان برای بستری نمودن بیماران مزبور کرد.<sup>۵۹</sup> اقدامات ضعیف وزارت بهداشت در جلوگیری از شیوع بیماریهای مسری چندان مؤثر نبود. لذا دولت دستورالعملهایی صادر کرد که مردم از تماس با لهستانیها خودداری کنند.<sup>۶۰</sup>

بر طبق یک سند به تاریخ ۱۳۲۱/۲/۲ از ۱۲/۲۴۱ نفر لهستانی مهاجر ۸۲۸ نفر بیمار بودند. از این افراد روزانه حدود پنج نفر فوت می نمودند. این بیماران قبل از ورودشان به ایران در محل اصلی (کراسنوتسک «تجمع اجتماع» مهاجران لهستانی در شمال شرقی دریای خزر برای انتقال به ایران) به بیماری مبتلا شده بودند. آنها پس از اعزام شدن به ایران در مناطق مختلفی چون کرج، ورامین، کهریزک و... بستری شدند.<sup>۶۱</sup> در اینجا لازم است از بیمارستان تازه ساز پانصد تختخوابی یاد کرد که ساختمان اول آن به تاریخ ۱۳۲۱/۲/۷ به اتمام رسیده بود، و این بیمارستان برای بستری کردن بیماران لهستانی اختصاص می یابد. با این حال، درخواست می کنند در تکمیل ساختمان دوم نیز تسریع شود تا آنها بتوانند از امکانات آن استفاده نمایند. قسمت اول ساختمان بیمارستان مزبور با گنجایش ۳۵۰ بیمار به ناچار نزدیک به هزار نفر بیمار دارای بیماریهای واگیر و غیرواگیر خطرناک چون تیفوس (که تقریباً ۵۰٪ بیماران را شامل می شد)، تیفوئید، مخملک، سرخچه، اوریون، اسهال خونی، سل را در خود جای داد.<sup>۶۲</sup> آزمایشگاه فنی وزارت بهداشتی نیز وظیفه آزمایش خون این افراد را بر عهده گرفت.

با افزایش بیماران و احتمال شیوع امراض خطرناکی چون تیفوس و تیفوئید در تهران و شمال کشور، وزیر بهداشتی هیئتی به ریاست دکتر مؤید حکمت، رئیس اداره قرنطینه های بهداشتی، به بندر پهلوی اعزام کرد. این افراد با جلب نظر مقامات انگلیسی و لهستانی شروع به اقدامات ذیل می کنند:

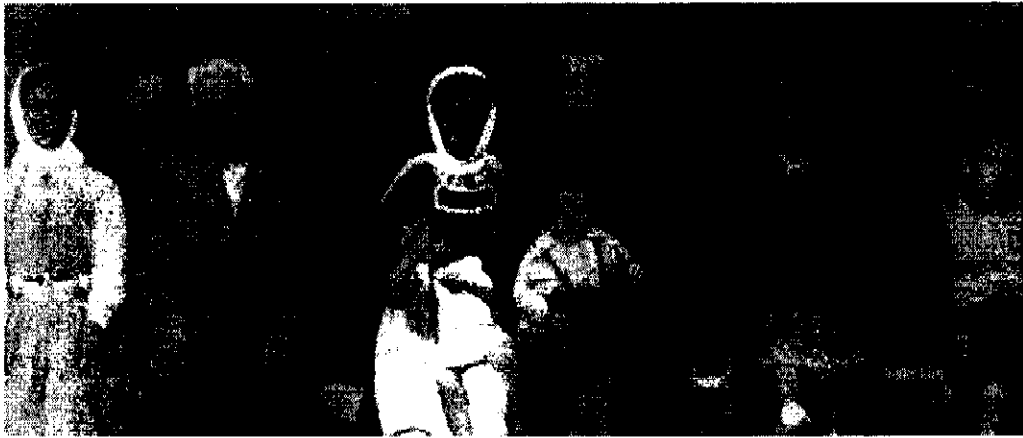
۱. لهستانیهای را که در بندر پهلوی منزل کرده و با اهالی آزادانه معاشرت می کردند به غازیان اعزام و در آنجا تحت مراقبت صحتی قرار می دهند.

۵۹. همان شماره پکت، وزارت جنگ، ۲۱/۱/۱۶.

۶۰. همان شماره پکت، وزارت جنگ، ۲۱/۱/۱۶.

۶۱. همان شماره پکت، وزارت جنگ، ۲۱/۲/۱۶.

۶۲. همان شماره پکت، وزارت بهداشتی، ۲۱/۲/۱۶ و وزارت جنگ ۲۱/۲/۷.



۲. لباسهای کهنه غیر قابل استفاده آنها را که در بلوار ریخته شده بود به کنار دریا حمل و در آنجا می‌سوزانند.
  ۳. فروش لباسهای کهنه و آلوده آنها غدغن و قسمتی از لباسهایی که قبلاً به فروش رسیده بود را مجاناً اتو و در قرنتینه ضد عفونی می‌کنند.
  ۴. کلیه اشخاص تازه وارد را در غازیان تحت مراقبت صحتی قرار داده بعد از تغییر لباس و استحمام و اطمینان از سلامت آنها اجازه حرکت می‌دهند.
  ۵. با جلب موافقت مقامات انگلیسی مقرر می‌شود که مبتلایان به تیفوس در غازیان بستری و درمان شوند و پس از مرتفع شدن خطر سرایت از آنجا حرکت نمایند.
  ۶. از تماس کارمندان بیمارستان لهستانیها با اشخاص جلوگیری به عمل می‌آید.
  ۷. اماکن و مساکنی که وارد شدگان اشغال نموده بودند ضد عفونی می‌کنند.<sup>۶۳</sup>
- در تاریخ ۱۳۲۱/۲/۲۷ به علت اینکه قسمت دوم بیمارستان پانصد تخت خوابی آماده نمی‌گردد پرورشگاه یتیمان که دارای بنای تازه‌ساز بود مورد توجه «کمسیون رسیدگی به امور لهستانیها» قرار می‌گیرد و برای بستری کردن بیماران مزبور اختصاص می‌یابد.<sup>۶۴</sup>
- با ورود مهاجران جدید لهستانی معضل کمبود مراکز و امکانات درمانی تشدید شد، به ویژه آنکه فصل گرما نزدیک می‌شد و خطر شیوع بیماریها مردم، به ویژه اهالی تهران، را تهدید می‌کرد و آنها را در معرض ابتلا به بیماریهای خطرناک نظیر تیفوس و تیفوئید قرار می‌داد. با آنکه متفقین نیز (بر اساس اسناد موجود) بسیاری از امکانات خود را در

۶۳. همان شمارهٔ پاکت؛ وزارت بهداری ۲۱/۲/۱۲.

۶۴. همان شمارهٔ پاکت؛ وزارت کشور ۲۱/۲/۲۳.

اختیار لهستانیها قرار می‌دادند ولی به واسطه افزایش مستمر روزانه تعداد مهاجران در سه ماه نخست اقامتشان، تنها در تهران، بیش از ۷۲ نفر از بیماران جان خود را از دست دادند.<sup>۶۵</sup> البته این تعداد مستند بر اسنادی است که فقط در تهران صادر شده و مربوط به مهاجران تهران بوده است حال برای اینکه با وضع بیماران لهستانی بیشتر آشنا شویم بهتر است به گزارش وزارت بهداشتی که در تاریخ ۱۳۲۱/۲/۶ از اردوگاه دوشان تپه تهیه شده است نظری بیفکنیم. طبق این گزارش در روز یکشنبه اردیبهشت ماه تعداد بیماران معاینه شده ۹۳۰ نفر بودند که از این تعداد ۱۳ نفر مرخص شده، ۱۳ نفر فوت نموده و ۵۲ نفر جدید الورد بودند. از کل بیماران ۵۲۵ نفر زن و ۴۳۲ نفر بچه بودند. از این میان ۵۷۶ نفر به بیماریهای مسری و ۳۸۱ نفر به بیماریهای غیرمسری مبتلا بودند. انواع بیماریهای مسری و تعداد مبتلایان به آنها عبارت بودند از: تیفوس ۴۱۹ نفر، تیفوئید ۱۷ نفر، مخملک ۲۸ نفر، سرخچه ۲۹ نفر، اوریون ۲۰ نفر، اسهال خونی ۲۵ نفر، و سل ۳۸ نفر.<sup>۶۶</sup>

گذشته از بیماران مذکور، سفارت لهستان در ۱۳۲۱/۵/۸ گزارش داد که از دهم مرداد روزانه سه هزار نفر وارد ایران می‌شوند که عده زیادی از آنان به علت سوء تغذیه مبتلا به بیماریهای مختلف به ویژه بیماری معده هستند و بنابر گزارش بعدی، که تاریخ ۱۳۲۱/۵/۲۴ را دارد آمده است، از ۳۲۰ نفر مهاجر لهستانی که وارد تهران شدند تعدادی اطفال مبتلا به بیماری «دیسانتري» بودند که در بیمارستان بستری شدند. به طور کلی در بین این بیماران ضعف عمومی خارق‌العاده‌ای مشهود بود که بعضی از آنها حتی قادر به خوردن غذا هم نبودند. با ورود این افراد که اولین دسته شش هزار نفری وارد شوندگان به شمال ایران بودند، به تقاضای صلیب سرخ لهستانیها از دربار شاهنشاهی، سالن بزرگ نمایش هم برای بستری نمودن بیماران جدید به آنان واگذار شد.<sup>۶۷</sup> همان‌طور که پیشتر گفته شد، زمانی که کشور ایران از نظر بهداشتی ضعیف شده بود و انواع بیماریها در آن رواج داشت و کمبود شدید احساس می‌شد دکتر مرزبان وزیر بهداشتی در طی ملاقاتی با دکتر واشیلوسگی رئیس بهداشتی مهاجرین لهستانی به دکتر ابوالقاسم بهرامی رئیس بنگاه پاستور دستور تأسیس لابراتواری برای مهاجران مزبور صادر می‌کند و همچنین دستور کمک دارویی به لهستانیها را به معاونت عمومی می‌دهد.<sup>۶۸</sup> و جالب

۶۵. همان شماره پاکت، اسناد وزارت بهداشتی ۲۱/۱/۲۶ تا ۲۱/۳/۲۸.

۶۶. همان شماره پاکت؛ وزارت بهداشتی ۲۱/۲/۱۲.

۶۷. همان شماره پاکت، وزارت جنگ بدون تاریخ و وزارت کشور ۲۱/۶/۱۱.

۶۸. روزنامه اطلاعات؛ ۱۳۲۱/۶/۱۵.

اینکه در میان این همه بذل و بخششهای زمامداران ایران، صلیب سرخ لهستانیها پیشنهاد نمود که چند تختخواب به طور مجانی در اختیار بیماران بی‌بضاعت ایرانی گذارده شود! نظر کمیسیون مذکور این بود که افراد بیمار ایرانی مزبور از کارمندان دولت و خانواده آنها باشد.

با ورود مهاجران لهستانی به ایران انواع بیماریهای خطرناک و واگیردار که قبلاً در ایران سابقه نداشت و یا کمتر شایع بود مشاهده گردید، به طوری که بیماریهای واگیردار فقط در تهران در اسفند ۱۳۲۱ ش. ۲۵۲ نفر قربانی به جای گذاشت. از مجموع بیماران ۱۰۹ نفر به تیفوس، ۵۷۰ نفر به تیفوئید، ۳۷۰ نفر به سل ریه، ۳ نفر به سیاه سرفه، ۱۰ نفر به سرخک، ۱۴ نفر به آبله و ۱۹ نفر به اسهال مبتلا شده بودند. با تطبیق اینها با گزارش وزارت بهداشتی در مورد بیماران دوشان تپه که در ۱۳۲۱/۲/۲۶ منتشر شد تأثیرات منفی انتقال لهستانیها در نتیجه اشاعه بیماریهای مختلف که موجب از بین رفتن عده زیادی از مردم گردید، روشن می‌شود. در برخی گزارشها در تهران تعداد مردگان ماهانه یک هزار نفر ذکر شده بود. گذشته از تهران، شیوع بیماریهای تیفوس، تیفوئید و اسهال، در دیگر شهرهای ایران نظیر سبزوار، فریمان و قم نیز گزارش شده بود. رقم آمار افرادی که در اثر ورود لهستانیها به ایران یا عبور از آن گرفتار مرگ شدند بسیار زیاد بود.

### پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ورود لهستانیها به ایران

الف - پیامدهای اجتماعی:

ورود لهستانیها به ایران و استقبالی که از طرف ملت ایران در شهرهای مختلف از آنها شد به لحاظ اجتماعی و فرهنگی قابل توجه و شایان بررسی و تحقیق است. از آنجایی که تعداد مهاجران، زیاد بودند و با مردم ایران نیز در تماس مستقیم و مستمر بودند بدیهی است که آنها، خواسته یا ناخواسته، متقابلاً تأثیرات بسیاری بر هم نهاده باشند. در اینجا برآنیم تا پیامدهای فرهنگی حضور لهستانیها را در بین مردم ایران، با تکیه عمده بر منابع اسنادی، مورد بررسی قرار دهیم. برای این مقصود ناچاریم مقدمتاً شهرها و مراکز اجتماعی را که لهستانیها در مسیر عبورشان از ایران در آن نواحی موقتاً اقامت گزیدند بشناسیم.

در تاریخ ۱۳۲۱/۱/۱۶ اولین دسته‌های نظامی و غیرنظامی از مهاجران لهستانی به تهران وارد شدند. آنان ابتدا در نواحی مختلف نظیر آشیانه هواپیما، ساختمان هنگ بمباران و در محوطه بنای دانشکده فنی نیروی هوایی مستقر شدند.<sup>۶۹</sup> روزنامه اطلاعات

۶۹ همان شمارهٔ پاکت، وزارت جنگ ۲۱/۱۰۱۶.

چند روز پس از ورود لهستانیها به تهران در تاریخ ۱۳۲۱/۱/۱۸ در این مورد چنین نوشت:

در این روزها آمد و رفت لهستانیها در تهران زیاد شده. هر روز عده زیادی وارد و خارج می‌شوند. در خیابان سربازان لهستانی خیلی دیده می‌شوند و روی هم رفته این کثرت آمد و رفت افسران و سربازان لهستانی توجه عموم را به خود جلب نموده است... چند روز است ورود سربازان و افسران لهستانی از بندر پهلوی شروع گردیده و دسته دسته وارد و در حدود وسایلی که وجود دارد حمل و نقل می‌شوند. تاکنون عده زیادی وارد تهران شده و از تهران برای انتقال به نقاط مختلف جبهه‌های جنگ متفقین حرکت کرده‌اند و نیز عده زیادی زنان و کودکان وارد شده‌اند که موقتاً در خارج شهر (دوشان تپه...) سکونت داده شده‌اند، تا به تدریج، ترتیب مسافرت و حرکت آنها داده شود...<sup>۷۰</sup>

لهستانیها در تهران و سایر شهرها مسیر عبور آنها، با همراهی و میهمان‌نوازی ملت روبه‌رو شدند. روزنامه ناهید در تاریخ ۱۳۲۱/۱/۲۹ در این مورد می‌نویسد:

به قرار اطلاع موقه مردم تهران عموماً یک مهریانی خاص نسبت به لهستانیهای مهاجر ملحوظ داشته از اهداء شیرینی و نانهای مختلفه قندی و غیره و سیگار به یکدیگر سبقت می‌جویند.<sup>۷۱</sup>

بسیاری از مردم ایران که در مسیر عبور آنها مقیم بودند با دادن بعضی هدایا و ورود آنها را به ایران گرامی می‌داشتند. روزنامه اطلاعات به تاریخ ۱۳۲۱/۳/۱۹ از یک نفر نیکوکار ایرانی یاد می‌کند که باغچه‌ای با هفت اطاق و لوازم و هزار متر وسعت را در اختیار صلیب سرخ قرار می‌دهد که مورد استفاده کودکان لهستانی قرار گیرد. به هنگام افتتاح این مرکز توسط وزیر مختار لهستان و نماینده پاپ و فرمانده نیروهای لهستان، ابتدا سرهنگ شیانسکی فرمانده نیروهای لهستانی شرق ایراد نطق کرد و در آن از میهمان‌نوازی ایرانیان ستایش و تقدیر کرد.<sup>۷۲</sup> این کمکها متعدد و اشکال مختلفی داشت. در یک مورد دیگر حتی می‌بینیم که یک نفر ده برگ بلیط بخت‌آزمایی می‌خرد و آن را به لهستانیها هدیه می‌نماید.<sup>۷۳</sup> البته به عللی از این گونه اخبار در جراید آن عصر متعدد دیده می‌شود. چه، همان‌طور که پیشتر گفته شد، جراید کشور شدیداً از طرف متفقین تحت

۷۰. روزنامه اطلاعات؛ ۲۱/۱/۱۸. ۷۱. روزنامه ناهید؛ سال ۱۳۲۱، ش ۲۷، ص ۳.

۷۲. روزنامه اطلاعات؛ ۲۱/۳/۲۹. ۷۳. روزنامه اطلاعات؛ ۲۱/۲/۲۳.



لهستانیهای مهاجر در اصفهان ۱۳۲۲ش

سانسور و نظارت بود تا جایی که بولارد سفیر کبیر انگلیس این را طی نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت ایران از وی تقاضا می‌نماید.<sup>۷۴</sup> اما از آنجایی که اخباری نظیر اخبار مذکور به نفع متفقین بود روزنامه و کلیه جراید اجازه درج آنها را داشتند.

تا تاریخ ۱۳۲۱/۲/۲ تعداد مهاجران لهستانی در تهران به ۱۲۲۴۱ نفر رسید. در نتیجه افزایش روزافزون آنها کنترل آنها نیز مشکل‌تر و لذا ارتباطات مستقیم آنها با مردم کوچه و بازار نیز بیشتر می‌شد. اما از آنجایی که مسئولان دستگاه سیاسی ایران و نیز مسئولان مهاجران لهستانی خواستار منع ارتباط مستقیم آنها با مردم عادی ایران بودند از اداره انتظامات تقاضا می‌شود یک افسر و بیست سوار و ده پیاده برای این منظور آماده شوند.<sup>۷۵</sup> البته انتظامات داخل این اردوگاهها توسط خود لهستانیها اداره می‌شد.<sup>۷۶</sup>

اردوگاههایی در اقدسیه و کرج برای اقامت لهستانیها در نظر گرفته می‌شود. ورامین نیز یکی دیگر از اردوگاههای در نظر گرفته شده بود که مورد پذیرش لهستانیها قرار نمی‌گیرد.<sup>۷۷</sup> آنها همچنین بعد از مدتی کرج را نیز به علت نداشتن ساختمانهای کافی

۷۴. ایران در اشغال متفقین، ص ۳۲۱.

۷۵. همان شماره پاکت، وزارت جنگ ۲۱/۲/۱۶.

۷۶. همان شماره پاکت، ۲۱/۲/۲ وزارت جنگ، ۷۷. همان.

نمی‌پذیرند.<sup>۷۸</sup> بعدها که لهستانیها تصمیم گرفتند اطفال را از بزرگسالان جدا نمایند معضل مسکن حادتر شد. کمیسیون مهاجرت لهستانیها در ایران مناطق ونک و اوین را به عنوان اردوگاههایی برای آنها پیشنهاد کرد. تابستان ۱۳۲۱ عده‌ای از لهستانیها در تهران باقی ماندند. عده‌ای نزدیک به ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر مرد و زن مسن در ناحیه سرخ‌حصار در زیر چادر اسکان داده شدند. تقریباً سه هزار کودک خردسال نیز در باغی دولتی در بالای یوسف آباد اسکان داده شدند.

ماهنامه چهره‌نما در تاریخ خرداد ۱۳۲۱ نوشت: «اداره رسیدگی به وضعیت لهستانیها در صدد برآمده است محل مناسبی که گنجایش نگاهداری این عده را داشته باشد در خارج شهر، در محلی بیلاقی، پیدا کند و سرانجام به این نتیجه رسیده‌اند که شهر منظره از حیث آب و هوا گنجایش این عده را دارد و در این خصوص پیشنهادی به انجمن ملی تربیت بدنی ارسال و تقاضا کرده بودند که در صورت امکان، موافقت شود که تابستان را زنان و کودکان لهستانی به آنجا انتقال یابند. موضوع این تقاضا در انجمن مطرح گردید و پس از مذاکره و مطالعه، انجمن تربیت بدنی تصویب نمود که در محل منظره موقتاً در تابستان اردوی پیشاهنگی تشکیل نشود تا مهاجران لهستانیها بتوانند بدون پرداخت اجاره تابستان را در آنجا بگذرانند. بنابراین به زودی خانواده‌های لهستانی که در بیرون دروازه دوشان تپه زندگی می‌کردند به منظره انتقال یافتند.<sup>۷۹</sup>

رئیس کل شهربانی به واسطه ازدحام لهستانیها در تهران و کم شدن آذوقه در آنجا، تقاضا نمود چنانچه مهاجران جدیدتری به ایران آیند آنها به شهرهای اراک و اصفهان برده شوند.<sup>۸۰</sup> البته مسئولان لهستانیها به واسطه وجود امکانات متعدد در تهران از انتقال تعداد زیادی از مهاجران به شهرهای مذکور خشنود نبودند. با وجود این، در تاریخ ۱۳۲۱/۳/۳۰ استیورسکی، مدیر اداره امور مهاجران لهستانی در ایران، همراه با سرتیپ اسفندیاری، رئیس کمیسیون ایرانی لهستانی مهاجران لهستانی، به اراک می‌روند تا پس از مدتی ترتیب انتقال لهستانیها را از تهران به اراک بدهند.<sup>۸۱</sup> ولی نمایندگان لهستانیها به دلیل نبودن امکانات لازم، به ویژه دارو و پزشک در آنجا، با انتقال مخالفت می‌کنند.<sup>۸۲</sup> این در حالی است که حتی مقامات انگلیسی هم با اعزام لهستانیها به اراک

۷۸. همان شمارهٔ پاکت، وزارت جنگ، ۲۱/۲/۷.

۷۹. ماهنامه چهره‌نما، س ۱۳۲۱، ش ۴، ص ۲۹.

۸۰. همان شمارهٔ پاکت، وزارت کشور، ۱۲۲۱/۱/۲۶ (ب). همان؛ وزارت کشور، ۲۱/۵/۲۷.

۸۱. همان شمارهٔ پاکت، وزارت کشور، ۲۱/۳/۳۰.

۸۲. همان شمارهٔ پاکت، وزارت جنگ، ۲۱/۴/۲۰.



موافق بودند.<sup>۸۳</sup> راجع به اقامت لهستانیها در اراک سندی در اختیار نداریم ولی با توجه به دلایل موجود می‌توان اطمینان یافت که سرانجام نظر نمایندگان لهستانی مورد قبول مقامات ایرانی نیز فرار گرفت و از انتقال لهستانیها به اراک خودداری شد.

در تاریخ ۱۳۲۱/۱/۲۲ گروهی از کودکان و سایر مهاجران لهستانی به وسیله هشت دستگاه اتوبوس به اصفهان برده شدند. این افراد که تعدادشان به ۲۵۰ نفر می‌رسید در منزل بی‌بی مریم و باغ ستاره اصفهان اسکان داده شدند<sup>۸۴</sup> و فرار شد مایحتاج آنها از طرف وزارت دارایی تأمین گردد.<sup>۸۵</sup>

نظامیان لهستانی نیز پس از پیاده شدن در بندر پهلوی (انزلی) به طرف قزوین حرکت داده شدند و سپس از طریق همدان وارد عراق شدند. البته در مسیر خود مدتی نیز در شهر قزوین اقامت کردند.<sup>۸۶</sup> علاوه بر دو مسیر مذکور، مسیر سوم هم وجود داشت که گروهی از غیرنظامیان از آن طریق به هند عبور داده می‌شدند. این مسیر از مشهد شروع می‌شد و از طریق زاهدان به هند ختم می‌گردید. در این مورد گزارشی در یکی از روزنامه‌ها به تاریخ فروردین ۱۳۲۱ در دست داریم که حاوی اخباری درباره عبور دادن هفت کامیون حامل زنان و اطفال لهستانی از مشهد به تربت حیدریه و از طریق زاهدان به هندوستان، می‌باشد.<sup>۸۷</sup> گاهی اوقات غیرنظامیان به تنهایی از مشهد تا تهران را می‌پیمودند. انتقال لهستانیها از طریق مشهد تا سال ۱۳۲۳ ادامه می‌یابد.<sup>۸۸</sup>

اهواز پایگاه اصلی مهاجران لهستانی بود که از آنجا به وسیله قطار یا سایر وسایل نقلیه به طرف جنوب برده می‌شدند، و از جنوب ایران با کشتی و دیگر شناورها به مقاصد مختلف نظیر فلسطین، آفریقای شرقی، آفریقای جنوبی، حتی مکزیک<sup>۸۹</sup>، بعد به فرانسه و سایر مناطق برده می‌شدند. استاندارد وقت خوزستان در خاطرات خود در مورد وضعیت مهاجران جنوب می‌نویسد:

انگلیسیها قسمتهای معمور سربازخانه را به تأسیسات اداری خود اختصاص داده طویله‌ها را برای مسکن به لهستانیها واگذار نموده بودند. چندین هزار زن و بچه‌ای که درگیرودار جنگ خانمان‌سوز کس و کار و هستی خود را از دست داده بودند در آن هوای گرم با صبر و سکوت زیر آخورها روی خاک زیست می‌کردند. اغلب از خستگی و ناخوشی دراز کشیده بودند. در آن میان یکی با سطل، آب می‌آورد

۸۳ همان شماره پاکت، وزارت جنگ ۲۱/۴/۲۲.

۸۵ همان پاکت، سند (۲۹۱۰۰۱۷۷۲)

۸۴ همان پاکت، سند (۲۹۱۰۰۲۵۵۳) اصفهان.

۸۷ روزنامه اطلاعات: ۲۱/۱/۱۸.

۸۶ همان شماره پاکت؛ وزارت کشور ۲۱/۴/۱۳.

۸۸ ایران در اشغال متفقین، ص ۱۹۰.

۸۹ روزنامه ایران ما، ۱۳۲۴/۱/۷، ص ۲.

دیگری جاروب می‌کرد، پیرمردی کتاب می‌خواند، پیره‌زنی لباس رفو می‌نمود، دختری مادر علیش را باد می‌زد، برادری سر خواهر کوچکتر از خودش را شانه می‌کرد. همه پاک و پاکیزه بودند. در قیافه‌شان آثار نجابت و بردباری دیده می‌شد. وقتی از نزدیک آنها گذشتم و با نظر شفقت و احترام متوجه آنها می‌شدم با کمال حجب سر برمی‌داشتند و لبخند می‌زدند. وقتی از محوطه خوابگاه لهستانیها بیرون آمدم از یکی از افسران سرپرست لهستانی پرسیدم هموطنانان از چه چیز اینجا خوششان آمده؛ شاید برای آنها فراهم آوریم؟ گفت: همه لیموترش این ولایت را که نایاب است دوست دارند چون در گرما رفع عطش می‌کند. و بعداً همه روزه از طرف شهرداری چند کیسه لیموترش دزفول برای آنها فرستاده می‌شد.

با اینکه به طور موقت بیش از چند اطاق در اختیار نداشتند یک کلاس درس، یک کارگاه صنایع دستی، یک قرائتخانه و یک درمانگاه برای خودشان درست کرده بودند. آخرین اطاق را باشگاه یعنی محل تجمع افسران سرپرست قرار داده بودند چند زن جوان هم در میان این جمعیت سمت سرپرست داشتند که در ضبط و ربط دست کمی از افسران مرد نداشتند. مثلاً یکی از آنها رئیس پلیس داخلی بود. همه از او حساب می‌بردند. دیگری مدیر حمل و نقل بود و با اینکه بیش از بیست و دو سال از سنش نمی‌گذشت مسافرت و نقل مکان کردن مهاجرین را به وسیله راه‌آهن و کامیون به خوبی اداره می‌کرد.<sup>۹۰</sup>

اوضاع اجتماعی ایران، با توجه به فقر عمومی و نقش تخریبی‌ای که ورود متفقین به ایران داشت، در هنگام ورود لهستانیها به طور کلی دچار آشفتگی شده بود. نیروهای متفقین در تمامی ارکان دولتی نفوذ داشتند و روزنامه‌ها سانسور می‌شد. امنیت در کشور تا حد زیادی مختل شده بود به طوری که در ارومیه به تاریخ ۱۳۲۱/۲/۱۰ شاهد حملات و شرارت‌های عده‌ای در حدود پنج شش هزار نفر هستیم که از آزار مردم نظیر داغ کردن اهالی خودداری نمی‌کردند.<sup>۹۱</sup> وجود نیروهای شوروی در منطقه مذکور به جای آنکه کمک در ایجاد امنیت در آنجا باشد عاملی در تشدید ناامنی شده بود چرا که شورویها به نیروهای دولتی اجازه رفتن به آن منطقه را جهت سرکوبی اشرار نمی‌دادند.<sup>۹۲</sup> شورویها از جهت دیگری نیز در وضعیت اجتماعی ایران مؤثر بودند. آنها به اجیر کردن جوانان ایرانی در حوزه منطقه نفوذ خود دست زدند و آنها را برای کار به قلمرو دولت شوروی بردند.<sup>۹۳</sup>

۹۱. راز پایدگی، ص ۱۴۴.

۹۰. سالنامه دنیا، سال ۱۳۴۵، ش ۲۳، ص ۱۱۵.

۹۲. راز پایدگی، ص ۱۵۳.

۹۳. همان.



لَهستانیهای مهاجر در اصفهان ۱۳۲۲ش

اسکان لَهستانیها در تهران موجب گردید عده‌ای سودجو بدون در نظر گرفتن مسائل اخلاقی و بهداشتی با این افراد تماس پیدا کنند. لَهستانیها لباسهای کهنه و کثیف و برخی اشیاء دیگر خود را که معمولاً به انواع و اقسام بیماریها آلوده بود به این افراد می‌فروختند. اولیای دولت ایران با این گونه خرید و فروشها مخالف بودند. رؤسای لَهستانی نیز در صدد جلوگیری از این گونه ارتباطات بودند چرا که به این طریق (خرید و فروش) اولاً برخی بیماریهای مسری و خطرناک در جامعه شیوع می‌یافت. ثانیاً خریداران بومی ممکن بود کالاهای گرانبهای لَهستانیها را به بهای بسیار نازل خریداری نمایند. لذا سفارت لَهستان اشیاء گرانبهای غیرلازم این افراد را جمع‌آوری کرد و تحت نظارت خود و با اطلاع نمایندگان شهرداری در تهران به فروش رساند. افرادی که خارج از این حوزه عمل می‌کردند به وسیله دفتر مهاجران توقیف می‌شدند.<sup>۹۴</sup>

عده‌ای از افراد بومی از طریق اهدای هدایا به مهاجران با آنها تماس برقرار می‌نمودند. چون این ارتباطات پیامدهای بدی می‌توانست به دنبال داشته باشد. هدایا را

۹۴. همان شمارهٔ پاکت، وزارت کشور - وزارت بهداشتی ۲۱/۲/۱۲.

دفتر مهاجران تحویل می‌گرفت و میان آنان تقسیم می‌کرد.<sup>۹۵</sup> برخی پیشه‌وران بومی بدون داشتن پروانه پیشه‌وری و اجازه دخول حتی به بیمارستانهایی چون بیمارستان پانصد تختخوابی (بیمارستان ویژه مریضان لهستانی) وارد می‌شدند و با مهاجران ارتباط برقرار می‌کردند. شهرداری برای جلوگیری از این اعمال اقدامات بازدارنده‌ای به عمل آورد.<sup>۹۶</sup> اداره امنیه نیز برای جلوگیری از تماس افراد با لهستانیها پاسگاههایی در اطراف اردوگاه آنها برپا کرد.<sup>۹۷</sup> پس از مدتی به علت نیاز وزارت دارایی و اقتصاد به جمع‌آوری خواروبار این پاسگاههای امنیه برچیده شدند<sup>۹۸</sup> و وظیفه انتظامات اردوگاههای لهستانی به اداره کل شهربانی واگذار شد.<sup>۹۹</sup>

با طولانی شدن اقامت لهستانیها و ضعف کنترل دقیق رفت و آمد آنها به داخل شهر مفسد اخلاقی چندی در داخل شهر تهران جلوه‌گر شد. روزنامه اطلاعات آن عصر در این مورد خبری را منتشر ساخت:

... بانوی لهستانی پس از اینکه به شهر می‌آید با فردی به نام استیان، موزیسین کافه ایران آشنا می‌شود و به منزل او می‌رود. استیان موقع خروج از منزل، خانم لهستانی را در خانه گذاشته و در را قفل می‌کند. این زن نیمه شب به بالای خانه رفته و خود را به خیابان پرت می‌نماید که مجروح می‌گردد.<sup>۱۰۰</sup>

برخی از لهستانیها در منزل ایرانیها اقامت کردند و با افراد بومی ازدواج کردند و در ایران ماندگار شدند. گروهی از اینان از سفارت انگلستان گذرنامه گرفتند و با مراجعه به اداره اقامت اتباع بیگانه درخواست پروانه اقامت نمودند. گروهی از زنان لهستانی نیز به طور مخفیانه با ایرانیها ازدواج کردند و دارای اولاد شدند.<sup>۱۰۱</sup> روابط ایرانیان با لهستانیها بعضاً به صورت روابط نامشروع بود و همین امر موجب انحطاط اخلاقی بیشتر جامعه می‌گردید و خود معضل بزرگی برای دولت فراهم می‌آورد. در سندی آمده است:

برخی از زنها بدون گذرنامه و مدارک در شهر سکونت داشته و در نتیجه آمیزش و ازدواج مخفی و غیررسمی ممکن است دارای اولاد شوند. و هرگاه برخی از آنان مرتکب جرمی شوند تشخیص هویت آنان مشکل است. از طرفی چون عده زیادی

۹۵. همان شماره پاکت، وزارت کشور- وزارت بهداری ۲۱/۲/۱۲.

۹۶. همان شماره پاکت؛ وزارت جنگ ۲۱/۵/۲۴.

۹۷. همان شماره پاکت؛ وزارت کشور ۲۱/۶/۸.

۹۸. همان شماره پاکت، وزارت کشور ۲۱/۶/۸.

۹۹. همان شماره پاکت، وزارت کشور ۲۱/۶/۸.

۱۰۰. روزنامه اطلاعات؛ ۲۱/۵/۲۶.

۱۰۱. همان شماره پاکت؛ ۲۱/۶/۲۵، سند ۳۳.

از آنان در شهر اقامت دارند و رودیه معمول گردید. مقید نمودن آنان به اجرای قوانین کشور شاهنشاهی و ورقه اقامت برای اداره کل شهربانی مشکل و بلکه غیرممکن است، لذا برای جلوگیری از هرگونه پیشامد ناخوش مراتب را در هیئت وزیران مطرح نموده و دستور لازمه برای اوراق شناسایی لهستانی صادر گردد.<sup>۱۰۲</sup>

گذشته از معضل صدور اوراق شناسایی برای لهستانیها، مسئله تابعیت فرزندان مشروع و نامشروع آنها که حاصل این ارتباطات بود خود مشکلی دیگر بود. اما سرانجام پس از مباحث زیاد معضل اخیر نیز با دستور نخست وزیر وقت ایران حل گردید. بنابه دستور وی به این افراد برگه هویت داده شد و به فرزندان آنان نیز (در صورتی که این زنان لهستانی با مردان ایرانی ازدواج کرده باشند) به تبع پدر، تابعیت ایران داده شد.<sup>۱۰۳</sup>

یکی دیگر از معضلات اجتماعی ورود لهستانی اشتغال آنان بود. پس از ورود اولین دسته‌های مهاجر لهستانی به ایران سفارت لهستان با دادن آگهی در روزنامه‌های آن عصر ایران موافقت خود را با اشتغال آنان نشان داد. مطلب ذیل اشاره به همان آگهی دارد:

دبیرخانه و کنسولگری سفارت لهستان همه روزه غیر از یکشنبه برای مراجعه کنندگان باز است و برای هرگونه اطلاعات و استخدام اشخاص غیرنظامی لهستانی به آدرس دوشان تپه کوچه زاهدی جنب مریضخانه آمریکاییها مراجعه کنید.<sup>۱۰۴</sup>

لهستانیهای داوطلب برای داشتن شغل به امور کشاورزی، عملگی و خانه‌داری، پرستاری بجه<sup>۱۰۵</sup> و حتی کار در کافه‌ها و رستورانها استخدام می‌شدند.<sup>۱۰۶</sup>

#### ب - پیامدهای فرهنگی:

اوضاع فرهنگی ایران در سال ۱۳۲۱ بسیار آشفته بود. این آشفتگی، به ویژه در مورد آموزش و پرورش رسمی کشور، چشمگیر بود چرا که به واسطه تحمیلات اقتصادی و مالی متفقین اداره آموزش و پرورش دچار کسر بودجه شدید گردیده بود. از این رو در ۱۵ تیرماه ۱۳۲۱ وزارت فرهنگ طی بخشنامه‌ای به کلیه ادارات و مؤسسات وابسته اعلام نمود:

در بودجه سال جاری وزارت فرهنگ اعتبارات مواد کاملاً محدود و حتی از اعتبار اغلب مواد نسبت به اعتبار سال گذشته مبلغی کسر گردیده است. از طرف دیگر به

۱۰۲. همان شماره پکت، وزارت کشور، ۲۱/۷/۲۹، سند ۶۹.

۱۰۴. روزنامه اطلاعات، ۲۱/۱/۲۷.

۱۰۳. همان شماره پکت، وزارت کشور، ۲۱/۷/۲۹.

۱۰۵. همان، ۲۱.۲.۲۲. ۱۰۶. همان، ۲۱.۶/۱۱.

طوری که کاملاً مستحضر می‌باشید بهای اشیاء و اجناس نسبت به سال گذشته (دو) برابر شده است. با این وضع تأمین احتیاجات خیلی فوری و ضروری وزارتخانه با اعتبارات منظوره تا آخر سال جاری بسیار مشکل است. اداره حسابداری از کلیه ادارات و بنگاههای تابعه وزارت فرهنگ انتظار دارد تقاضای خرید و تحویل اشیایی که کاملاً مورد احتیاج نبوده و ضرورت حتمی نداشته باشد نفرمایید و گرنه بنابر توضیحات بالا انجام آنها برای این اداره مقدور نخواهد بود.<sup>۱۰۷</sup>

وزارت فرهنگ همچنین به علت فقر اقتصادی مردم طی بخشنامه‌ای به تاریخ ۱۳۲۱/۶/۲۹ به مؤسسات آموزشی دستور می‌دهد که رعایت حال اولیاء دانش آموزان را بنمایند. در این بخشنامه آمده است:

به طوری که می‌دانید در این ایام بیشتر خانواده‌ها برای امرار معاش در زحمت می‌باشند و به سختی می‌توانند وسایل و لوازم ضروری تحصیل فرزندان خود را فراهم سازند. بنابراین لازم است به کلیه آموزشگاههای حوزه تابع دستور دهید برای تهیه جزوه، کتابچه نقاشی، لوازم، پارچه خیاطی، کتابچه خط و سایر لوازم تحصیلی سختی اوضاع را مورد توجه قرار داده رعایت حال اولیاء دانش‌آموزان را از هر جهت بنمایند و احتیاجات مدرسه را در حداقل ممکن تقاضا نمایند و تا می‌توانند از تحمیل به دانش‌آموزان خودداری کنند. و رؤسای آموزشگاهها را مسئول قرار دهند که مفاد این دستور را به اطلاع کلیه آموزگاران و دبیران رسانده و اجرای آن را کاملاً مراقب باشند. وزیر فرهنگ - دکتر سیاسی.<sup>۱۰۸</sup>

پس از ورود مهاجران لهستانی به ایران متفقین از وزارت فرهنگ تقاضا می‌کنند که دوهزار کودک دختر و پسر ۸-۱۴ ساله تحت مدیریت و سرپرستی خود لهستانیها در آموزشگاههای آن وزارتخانه مورد تعلیم قرار گیرند تا از نظر فرهنگی این کودکان آسیبی نبینند.<sup>۱۰۹</sup>

با ورود لهستانیها بازار اجرای برنامه‌های کنسرت موسیقی و نمایشهای لهستانی گرم می‌شود. مطبوعات آن عصر به تبلیغ این گونه برنامه می‌پردازند. نمونه‌های این گونه

۱۰۷. مجله آموزش و پرورش، سال دوازدهم، شماره‌های سوم و چهارم (خرداد و تیر ۱۳۲۱)، ناشر اداره کل نگارش.

۱۰۸. مجله آموزش و پرورش؛ سال دوازدهم، شماره‌های ۵ و ۶ مرداد، شهریور و مهر ۱۳۲۱.

۱۰۹. همان شماره پاکت. وزارت جنگ، ۲۱/۲/۲۱.

تبلیغات در جراید آن عصر فراوان هستند. برای مثال به چند نمونه از آنها ذیلاً اشاره می‌کنیم:

بنا به دعوتی که شده است شب یکشنبه ۱۳۲۱/۲/۱۳ مجلس شب نشینی و نمایش آرتیستهای لهستانی در تماشاخانه تهران دایر خواهد بود. وزیر مختار دولت لهستان و فرمانده کل قوای لهستان در تهران از عده‌ای از رجال و محترمین دعوت نموده‌اند که در این تئاتر و شب‌نشینی شرکت نمایند.<sup>۱۱۰</sup>

لهستانیها در طی اقامت خود در ایران با اجرای برنامه‌های موسیقی جاز و پیانو به کسب درآمد می‌پرداختند:

کنسرت جاز، در کافه رستوران شمشاد توسط ارکستر جاز سربازان لهستانی چهارشنبه ۱۳ خرداد از ساعت ۷/۵ بعد از کنسرت رقص تا ۲ ساعت بعد از نیمه شب برگزار می‌گردد. کارت عبور شب تهیه شده [شود]. ورودیه ۱۵ ریال است.<sup>۱۱۱</sup>

در خبری دیگر از شرکت پیانستهایی چون کاپوسینسکی و پارتنی نام می‌برد که در باشگاه افسران برنامه اجرا می‌کنند.<sup>۱۱۲</sup>

این برنامه‌ها همراه با برنامه‌های هنری که متفقین در ایران برپا می‌کردند سهم بزرگی در رواج فرهنگ و هنر غربی در ایران داشت. مقاله‌هایی که در زمینه فیلم و سایر هنرها به رشته تحریر درمی‌آمد به معرفی هنرمندان اروپایی می‌پرداخت. از این دوران به بعد ما شاهدیم با اینکه استفاده از زور در جهت برداشتن حجاب و پوشیدن لباس اروپایی پس از رفتن رضاخان دیگر اثری وجود نداشت ولی پس از ورود متفقین بی‌حجابی و مدپرستی روز به روز بیشتر می‌شد.

مهاجران در ایران هفته نامه‌ای به زبان لهستانی منتشر می‌کردند که ویژه لهستانیها بود. عنوان نشریه، ندای لهستان (اسلوو پولسکی)<sup>۱۱۳</sup> بود.

از دیگر پیامدهای فرهنگی اقامت لهستانیها افتتاح کلاسهای زبان لهستانی بود. که در کوچه شیروانی واقع در خیابان نادری قرار داشت و در آن زبان لهستانی به ایرانیها آموزش داده می‌شد.<sup>۱۱۴</sup>

متقابلاً اولیای امور فرهنگی لهستانی برای تدریس زبان فارسی در آموزشگاههای خود

۱۱۰. روزنامه اطلاعات؛ ۲۱/۲/۱۰. ۱۱۱. روزنامه اطلاعات؛ ۲۱/۳/۱۲. ۱۱۲. اطلاعات؛ ۲۱/۶/۲۵.

\* . Slowo Polskie

۱۱۳. شناسنامه مطبوعات ایران ۱ ۱۲۱۵۰-۱۳۵۷ش. به کوشش مسعود برزین انتشارات بهجت، ۱۳۷۱. ص ۲۲.

۱۱۴. روزنامه پیام، دوشنبه ۲۱.۹.۹.

تقاضا نمودند تعدادی دبیر ایرانی معین شوند تا بدینوسیله به لحاظ اشاعه زبان فارسی و آشنا نمودن افراد مهاجر لهستانی با تاریخ و ادبیات ایران از اقامتشان حداکثر استفاده را ببرند.<sup>۱۱۵</sup>

همچنین عده‌ای از دانشمندان ایرانشناس لهستانی که در اثر اشغال کشورشان به ایران آمده بودند، دست به نوشتن کتابهایی درخصوص ایران زدند که در سه جلد به نام مطالعات ایرانی در ایران منتشر شد.<sup>۱۱۶</sup>

ارتباطات فرهنگی در دوران اقامت مهاجران لهستانی به حدی مؤثر بود که یکی از سیاستمداران لهستانی می‌نویسد:

روابط فرهنگی ایران و لهستان که از قرن هفدهم میلادی آغاز شده است پس از جنگ دوم جهانی به صورت قابل توجهی توسعه یافت که این امر تا حدود زیادی به مهاجرت لهستانیها به ایران و اقامت آنها در کشور ایران طی سالهای جنگ جهانی دوم مربوط می‌شود که همواره در ملاقاتها از میهمان‌نوازی ایرانیها به ویژه در آن سالهای سخت، تقدیر و تجلیل می‌شود.<sup>۱۱۷</sup>

در اینجا لازم است اشاره‌ای نیز به یهودیان لهستانی که جزو مهاجران مزبور بودند داشته باشیم. به نظر می‌رسد که تعداد زیادی یهودی لهستانی اجباراً در روسیه به سر می‌بردند و مدتها پیش از ورود اولین مهاجران لهستانی به ایران کوشش می‌شد که آنها به فلسطین برده شوند. اینها نزدیک به پنج تا شش هزار نفر بودند که از سال ۱۳۱۹ تلاشهایی برای انتقال آنها از طریق ایران به فلسطین صورت می‌گرفت. در سندی به تاریخ ۱۳۱۹/۱۰/۱۰ فردی به نام غلامحسین ابتهاج که رئیس شرکت سهامی ایران‌تور بود طی تلگرافی از نخست‌وزیر وقت ایران می‌خواهد که روادید عبور این عده را صادر نماید، که البته نخست‌وزیر مزبور نیز با آن تقاضا مخالفت می‌کند.<sup>۱۱۸</sup> اما با شروع حرکت اولین دسته‌های مهاجر لهستانی به ایران این یهودیان لهستانی نیز به ایران وارد شدند. بسیاری از این یهودیان از کمکها و حمایتهای یهودیان ایران برخوردار شدند.

در این مورد، روزنامه‌جویش کرویکل چاپ فلسطین (۸ سپتامبر ۱۹۴۳) تحت عنوان «وضعیت کودکان یهود» در ایران مقاله‌ای به چاپ رساند که ذکر آن برای اطلاعاتیابی در

۱۱۵. سازمان اسناد ملی ایران، میکروفیلم ش ۲۱۳/۱۷/۱.

۱۱۶. شجاع امیری شفا، جهان ایرانشناسی، ج دوم، بی‌جا، بی‌تا، ص ۲۹۶.

۱۱۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۴۰۱۸، (۱۳۷۲/۱/۳۰).

۱۱۸. اسناد مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین، به کوشش مرضیه یزدانی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴.



مورد وضعیت یهودیان مهاجر لهستانی ضرورت دارد. در این روزنامه از تربیت کودکان یهودی مهاجر لهستانی در خانواده‌های یهودی تهران ذکر می‌شود و اینکه آنان به مدرسی می‌روند که در آن زبان عربی تکلم می‌کنند و آداب و رسوم یهودیان، به خصوص آیین روز شنبه، به آنان تعلیم داده می‌شود؛ ولی با عادات و ستهای یهودیان لهستانی تفاوت دارد. خبرنگار این روزنامه به قریه‌ای یهودی در ایران رفته است که هر خانواده یکی دو نفر از آن کودکان را پذیرفته بودند و آنان را تربیت می‌کردند.<sup>۱۱۹</sup>

### خروج لهستانیها از ایران

در مورد خروج لهستانیها، در ضمن مباحث پیش، اشاراتی شده است اما در اینجا لازم است بحث مستقلی به چگونگی خروج لهستانیها که پایان قضیه مهاجرت لهستانیها به ایران است داشته باشیم.

لهستانیها پس از ورود به ایران (طبق قرار و توافق با دولت ایران) می‌بایستی هرچه زودتر از ایران خارج شوند. ولی به دلایل گوناگون این مهم (خروج هرچه سریع‌تر لهستانیها) عملی نشد. یکی از دلایل آن، مبتلا بودن بسیاری از لهستانیها به بیماریهای مختلف (عمدتاً به دلیل عدم تغذیه در شوروی) بود که موجب شد لهستانیها مدت نسبتاً طولانی در ایران اقامت کنند، سلامت اولیه خود را تا حدی به دست بیاورند و آنگاه به مناطق دیگر انتقال یابند. از این رو یکی از مقامات لهستانی به تاریخ ۱۳۲۱/۸/۱۶ اعلام کرد که آنها زودتر از دو ماه نمی‌توانند ایران را ترک کنند.<sup>۱۲۰</sup> با بررسی اسناد مربوط فهمیده می‌شود که تا تاریخ ۲۱/۵/۷ هیچ‌گونه تلاش جدی از طرف لهستانیها برای خروج از ایران به عمل نیامد. در این تاریخ مقامات لهستان نوید می‌دهند که به زودی عده‌ای از آنان به آفریقای شرقی انتقال می‌یابند.<sup>۱۲۱</sup> در دهم مرداد (۲۱/۵/۱۰) گروهی از لهستانیها (شامل ۶۴۳ زن و کودک) به وسیله راه‌آهن عازم بندر شاهپور شدند و از آنجا از ایران خارج شدند.<sup>۱۲۲</sup> تا تاریخ ۲۱/۶/۱۱ نزدیک به ۵۰۴۹ نفر از مهاجران لهستانی به آفریقا (آفریقای شرقی یا جنوبی) برده شدند. ولی تا همین تاریخ هم تقریباً ۴۰۰ نفر از لهستانیها به علت اشتغال در کافه‌ها و سایر مکانها و همچنین ازدواج با ایرانیها از عزیمت خودداری نموده بودند.<sup>۱۲۳</sup> البته دولت انگلیس هم تا حدی در انتقال مهاجران

۱۱۹. سازمان اسناد ملی ایران، وزارت خارجه ۲۲/۱۲/۲۴، شماره آلبوم ۲۱۲، شماره پاکت ۳۹۸۲، شماره تنظیم ۲۱۰۲۹-۱.

۱۲۰. سازمان اسناد ملی ایران، شماره پاکت ۳۹۸۳، وزارت جنگ، ۲۱/۱/۱۶.

۱۲۱. همان؛ وزارت کشور ۲۱/۵/۸، ۱۲۲. همان؛ وزارت کشور ۲۱/۲/۱۳.

۱۲۳. همان؛ وزارت کشور ۲۱/۶/۱۱.

کوشید.<sup>۱۲۴</sup> اما در اسناد مربوط می‌بینیم که لهستانیها تا تاریخ ۱۳۲۳ هنوز به ایران وارد می‌شوند. نفرت بیشماری که به دلیل نبودن آمار دقیق نمی‌توان عده آنها را تعیین کرد به عناوین مختلف، حتی بعد از جنگ، در ایران ماندگار شدند و بعضاً در ایران تشکیل خانواده دادند. لهستانیهای خارج شده از ایران به مناطقی چون فلسطین (بخصوص یهودیان و نظامیان لهستانی)، فرانسه و آفریقا برده شدند. و این پایان سرنوشت هزاران مهاجر لهستانی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱۲۴. همان؛ حاشیه وزارت کشور ۲۱/۷/۲۹.